

بیننده را عادت بدهید که دنبال هنر و پیام حقیقی بگردد

سینما اگر سینمایی مطلوب باشد برایش ارزش قائلیم؛ از بسیاری شاخه‌های دیگر هنر هم بیشتر ارزش دارد، چرا که چگونگی ابلاغ پیامش از بسیاری از شاخه‌های دیگر هنر بهتر، برجسته‌تر و ارزنده‌تر است.

همه حرف من درباره جاذبه و محتوا در سینما این است که وقتی اصل را و ستون فقرات یک فیلم را محتوای فیلم می‌دانیم و بر پیامی که می‌خواهد بدهد دقت و تأکید می‌کنیم طبیعی است که جاذبه فیلم (یعنی همان چیزهایی که جنبه سرگرم‌کننده به فیلم می‌دهد و آن را دل‌نشین می‌کند) با پیام هر دو به هم آمیخته است. (جاذبه و محتوا) تکمیل‌کننده یک هنر هستند.

اگر بخواهید سینمای ایران رشد کند دو چیز را باید در نظر بگیرید؛ اول میدان دادن به عناصر با استعداد و نسبت به کشور و انقلاب «خودی»، دوم ایجاد یک تحول در اصل سینمای فارسی؛ یعنی همان طور که پیش‌تر اشاره کردم ضدارزش‌هایی را که در آن سینما نشان داده شده بود باید هر طور شده بیرون کشید. مستمع و بیننده را هم باید عادت بدهید که در فیلم منتظر سکس و خشونت نباشد. (عادت بدهید) حقیقتاً یک هنر حقیقی را دنبال کند و دنبال پیامی حقیقی و دل‌نشین بگردد. اگر این کار انجام گرفت تحول حقیقی در سینما رخ داده است.

